

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی تهران

زهرا رضایی نسب*

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

سردار فتوحی

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

چکیده

سرمایه اجتماعی به پیوندها، ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع بارز اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. اما از آنجا که افراد جامعه در برقراری ارتباط و کمیت و کیفیت آن یکسان نبوده، تفاوت‌هایی از جنبه‌های مختلف از جمله تفاوت‌های جنسیتی بین آنها وجود دارد. بدین‌سان هدف از پژوهش حاضر بررسی جنسیت به عنوان عاملی در تبیین تفاوت‌های سرمایه اجتماعی است. پژوهش حاضر با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. نمونه آماری شامل ۱۶۰ نفر از دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی بود، که ۸۰ نفر از آنها مرد و ۸۰ نفر دیگر زن بودند. پس از استخراج نتایج پرسشنامه‌ها، داده‌ها به وسیله آزمون تی (t) و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که «اعتماد اجتماعی»، «هنجارهای همیاری و کمک متقابل» و «آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی» به عنوان سه بُعد از سرمایه اجتماعی، در بین مردان و زنان تفاوت معناداری ندارد و زنان و مردان تنها از لحاظ مشارکت‌های رسمی با هم تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ دارند. طبق یافته‌های پژوهش موقعیت‌ها و ساختارهایی مانند سطح تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی شکل دهنده میزان سرمایه اجتماعی هستند، که جنسیت نیز تحت تأثیر این موقعیت‌ها و ساختارها قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

اعتماد اجتماعی؛ دانشجویان علوم اجتماعی؛ مشارکت رسمی؛ همیاری

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۸

مقدمه و بیان مسأله

سرمایه اجتماعی در یک معنای عام نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار در بازار تعریف می‌شود. البته بازار لفظی استعاره‌ای است و محدوده آن در تحلیل‌های گوناگون می‌تواند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا بازارکار باشد. که در آن، افراد با درگیر شدن در تعاملات و شبکه‌های اجتماعی، منافع مورد انتظار را تولید می‌کنند (لین^۱، ۲۰۰۱: ۲۱). اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، همکاران، دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد در شرایط بحرانی آن‌ها را به‌کارگیرد، از آن‌ها بهره بگیرد یا برای منافع مادی استفاده کند. البته این مسئله برای گروه، بیش‌تر صدق می‌کند (پاتنام و گروس^۲، ۲۰۰۲: ۹) سرمایه اجتماعی با متغیرهایی همچون اعتماد، آگاهی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد. سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد داریم. افراد جامعه در برقراری ارتباط و کیفیت آن یکسان نیستند و از جنبه‌های مختلف بین آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. نظیر تفاوت‌های جنسیتی که ناشی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری است که در طی جریان جامعه‌پذیری و در طی دوره زندگی همواره به جد شدن جهان اجتماعی مردان و زنان منجر شده است. به طوری که تفکیک و تبعیض جنسیتی در حوزه‌های مختلف جامعه مطرح می‌شود. این نابرابری‌های جنسیتی میان زنان و مردان در عضویت ارتباطی و اجتماعات آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و زنان و مردان را به شبکه‌های اجتماعی متفاوتی سوق می‌دهد و بدین ترتیب باعث می‌شود آن‌ها سرمایه اجتماعی متفاوتی داشته باشند. که در پژوهش‌های مختلف در داخل و خارج از کشور پشتوانه تجربی یافته است. نگاهی به پیشینه‌های انجام شده در این مورد به ما کمک بهتری می‌کند. در پژوهش مور (۱۹۹۰) این نتایج به دست آمد که زنان بیش‌تر تمایل دارند تا پیوندهای نزدیک و صمیمی‌تری با خویشاوندان و پیوندهای غیرخانوادگی کم‌تری داشته باشند و مردان گرایش دارند تا پیوندهای بیش‌تری در بیرون خانواده برقرار کنند. تیمبرلین شارون (۲۰۰۵) در مقاله‌ای، با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه‌ای، سرمایه اجتماعی و جنسیت در محیط کار را، به این گونه که رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه مدیریت در محیط کاری و

1. Lin

2. Putnam & gross



به طور خاص اهمیت جنسیت در تشکیل سرمایه اجتماعی را بررسی می‌کند و منافع آن را توضیح می‌دهد؛ اگرچه ورود زنان به طور پیوسته به محیط کار در نیم قرن اخیر در حال رشد بوده است و گام‌های بلندی در به دست آوردن تساوی اقتصادی با مردان برداشته شده است، آمارها معلوم می‌کنند که زنان نسبت به مردان در پیشرفت شغلی، اکتساب پست و سطوح جبران خدمات از اولویت کم‌تری بهره‌مند هستند. همچنین برت در سال ۱۹۹۲، برای بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جنسیت، مطالعه عمیقی در میان ۳۰۰ مدیر در شرکت‌های بزرگ انجام داد. نتیجه این بود که مردان سرمایه اجتماعی را با حرکت در محیط‌های پر از شکاف‌های ساختاری و فرصت‌هایی برای مبادله اطلاعات و قدرت ایجاد می‌کنند. در حالیکه زنان در شبکه‌های کوچک و محدودیت زیاد به موفقیت دست می‌یابند (به نقل از کیلبری و والیس^۱، ۲۰۰۴، ۲۴۱). باستانی پژوهشی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران» انجام داد؛ که در آن تأثیر جنسیت و متغیرهای زمینه‌ای بر شبکه روابط را آزمون کرد که نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که شبکه‌های زنان و مردان از نظر ساخت (اندازه و ترکیب شبکه) تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای ندارند، اما از نظر خصوصیات تعاملی و کارکردی متفاوت هستند. زنان انواع زنانه‌تر حمایت (عاطفی) و مردان انواع مردانه‌تر حمایت (مالی و اطلاعاتی) را فراهم می‌کنند و افراد شاغل و متأهل سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. آنچه که شبکه روابط زنان و مردان را از هم متمایز می‌کند، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که زنان و مردان دارند و ناشی از نابرابری‌های جنسیتی و عدم توزیع برابر امکانات و فرصت‌ها در جامعه است (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۶۳). بنابراین، موقعیت‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های متفاوت باعث تفاوت در سرمایه اجتماعی می‌شود که در این خصوص نقش جنسیت در جامعه ما بارزتر به نظر می‌رسد و این تفاوت در میان زنان و مردان اثرات و پیامدهای خاصی به دنبال خواهد داشت. مدنی قهفرخی در سال ۱۳۸۲، در پژوهشی با عنوان پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که رشد و رواج آسیب‌های اجتماعی جمعیت، زنان را بیش از مردان در معرض خطر قرار داده است. علاوه بر این، نرخ شیوع اختلالات روانی در زنان ایرانی بیش از مردان است. با وجود شرایط حضور دو گروه زنان و مردان در جامعه واحد، آثار سوء نابسامانی‌های موجود،

سلامت زنان را بیش از مردان در خطر قرار داده است. همچنین نتایج پژوهش خمرنیا و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که بین دو مؤلفه سرمایه اجتماعی (اعتماد و بخشش و روحیه داوطلبی) با فرسودگی شغلی ارتباط معناداری وجود دارد و این بر اهمیت موضوع همبستگی بین ابعاد سرمایه اجتماعی و فرسودگی شغلی زنان و مردان اشاره دارد. همچنین خواجه نوری و مقدس (۱۳۸۸)، «جهانی شدن و سرمایه اجتماعی زنان» را بررسی قرار کردند. که نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای مرتبط با فرایند جهانی شدن (نقش جنسیتی، آگاهی نسبت به جهانی شدن، شیوه زندگی، آگاهی نسبت به قوانین و مقررات و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی) با سرمایه اجتماعی زنان رابطه معناداری دارند. هر چه زنان بیش تر تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن باشند، از سرمایه اجتماعی بیش تری بهره‌مند هستند. چنین به نظر می‌رسد که زنانی که تحت تأثیر این فرآیند هستند، بیش تر به دنبال منابع اطلاعاتی و ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی به شکل انجمن‌ها و مانند آن‌ها هستند. همچنین بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان عنوان پژوهشی است که موحد و همکاران (۱۳۸۷) انجام داده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد رابطه معنادار میان سرمایه اجتماعی - ارتباطی زنان و نگرش آن‌ها نسبت به مشارکت سیاسی تأیید می‌شود. هر چه سرمایه اجتماعی زنان بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی در ابعاد گوناگون افزایش می‌یابد. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش رفعت جاه و قربانی (۱۳۹۰) زنانی که از سرمایه اجتماعی بیش تری بهره‌مند هستند، بهتر از دیگران توانسته‌اند در موقعیت شغلی خود ارتقاء یابند. همچنین پویا و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان تأثیر سرمایه انسانی و اجتماعی کارکنان زن بر کسب پست‌های سازمانی انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه انسانی در کلیه سطوح سازمانی می‌تواند خانم‌ها را در کسب پست‌های سازمانی کمک کند و سرمایه اجتماعی بر کلیه سطوح سازمانی تأثیر یکسانی دارد و خانم‌ها پست‌های بالاتر را به دلیل داشتن سرمایه انسانی بیش تر به دست آورده‌اند. پژوهش‌های زیادی در داخل و خارج از کشور درباره سرمایه اجتماعی انجام شده است، اما با تأکید بر جنسیت، تحقیقات خارجی معدود و در داخل کشور نیز تاکنون پژوهشی انجام نشده است. یکی از دلایلی که این پژوهش در میان دانشجویان انجام شد این بود که در جامعه ما از یک سو با وجود یک بستر اجتماعی سنتی و از سوی دیگر با ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی مختلف، به ویژه کار دستمزدی در خارج از خانه و نیز حضور



آن‌ها در سازمان‌ها و ادارات در قلب مادرشهرهای امروزی، شاهد این هستیم که این فرایند در میان دانشجویان بیش‌تر به چشم می‌خورد. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات بود:

با توجه به محدودیت امکانات و منابع در اختیار زنان، سرمایه اجتماعی آن‌ها دارای چه ویژگی‌هایی است؟ و چه تفاوت‌هایی با مردان دارند؟ یا به عبارتی بین زنان و مردان چه تفاوت‌هایی درباره متغیرهای اعتماد اجتماعی، هنجارهای همیاری و کمک متقابل، مشارکت‌های رسمی، آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی وجود دارد؟ آیا زنان و مردان در موقعیت‌ها و سمت‌های مشابه، سرمایه اجتماعی مشابهی داشته‌اند؟ از جمله این موقعیت‌های مورد بررسی سطح تحصیلات (کارشناسی و کارشناسی ارشد)، وضعیت تأهل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی است. بدین ترتیب به دو دلیل این پژوهش در میان دانشجویان اجرا شد: اولاً دختران دانشجو تنها گروه در میان زنان هستند که در خارج از خانه و نیز در عرصه‌های عمومی تا حدودی همانند مردان حضور دارند. ثانیاً دانشجویان (دختر و پسر) در موقعیت و با منابع و امکانات تا حدی مشترک به دلیل سطح تحصیلات عالی، زندگی خوابگاهی، امکانات رفاهی و تفریحی و ... قرار دارند. و یکی از دلایل انتخاب دانشجویان علوم اجتماعی نیز بستر و موارد درسی مشابه در خصوص نگرش و آگاهی است و دلیل دیگر انتخاب دانشجویان علوم اجتماعی، همکاری گروه علوم اجتماعی با پژوهشگر برای نمونه‌گیری پژوهش بوده است.

بدیهی است که بررسی سرمایه اجتماعی در جامعه ما، بر حسب تفاوت‌های جنسیتی، ما را به شناخت بهتر هدایت خواهد کرد و می‌توان با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در جهت بهبود شرایط اجتماعی زنان و مردان کمک کرد. بر این اساس هدف نوشتار حاضر بررسی تفاوت‌های سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در میان دانشجویان (دختر و پسر) علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی تهران است.

سرمایه اجتماعی: ریشه استفاده از اصطلاح سرمایه اجتماعی به سال ۱۹۱۶ و به کاربرد اولیه آن توسط یک معلم جوان ترقی‌خواه به نام «هنیفن» بازمی‌گردد. که در بحث از مراکز اجتماعات روستایی، بر اهمیت احیای مشارکت‌های اجتماعی بر تداوم دموکراسی و توسعه تأکید کرد (پاتنام و گروس، ۲۰۰۲: ۴-۵). به هر حال به این مفهوم، تنها در دهه ۱۹۸۰ بود که

به شدت توجه شد. این امر عمدتاً مرهون «کلمن» جامعه‌شناس آمریکایی، و پژوهش او در زمینه مشارکت در امور مدرسه (شهرشیکاگو) بود. بعد از آن بورديو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن کرد. از نظر بورديو حوزه‌های گوناگون و متفاوت زندگی هنر، علم، دین، اقتصاد، سیاست و... مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات و اشکال قدرت را شکل می‌دهد که بورديو آن را میدان می‌نامد. میدان فضای ساخت‌مندی از جایگاه‌هاست. سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاص به دست آمده در این صحنه مؤثر واقع می‌شود. سرمایه وابسته به عرصه‌ای است که شخص در آن عمل می‌کند و به سه شکل ظاهر می‌شود: ۱) سرمایه اقتصادی که بی‌درنگ و مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت درآید؛ ۲) سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط، قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است که به شکل مدارک تحصیلی درآیند؛ ۳) سرمایه اجتماعی که ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی (پیوندها و ارتباطات است) و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآید. تعریفی که او از سرمایه اجتماعی دارد به این صورت است: جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل (به بیان دیگر) با عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هریک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی بهره‌مند می‌کند و آن‌ها را مستحق «اعتبار» می‌سازد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷). بدین سان حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طور مؤثری بسیج کند و مضافاً وابسته به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی یا نمادین) در تصرف کسانی که او با آن‌ها مرتبط است (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۷). از نظر بورديو سرمایه اجتماعی دو مؤلفه دارد: ۱) منبعی است که ارتباط با آن از طریق عضویت در گروه و شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر است؛ ۲) حجم سرمایه اجتماعی است که به تملک یک کارگزار انسانی درمی‌آید، بر اندازه‌ای از شبکه‌های ارتباطاتی مبتنی است که او می‌تواند بسیج کند. انجمن‌های داوطلبانه، اتحادیه‌های تجاری، احزاب سیاسی و انجمن‌های سری همگی نمونه‌هایی جدید از تجسم سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند. بدین ترتیب عوامل اجتماعی در بعد اول براساس میزان کلی سرمایه‌ای که در شکل‌های متفاوت آن دارا هستند و در بعد دوم براساس ساختار سرمایه‌شان، یعنی براساس وزن



نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه اقتصادی، فرهنگی توزیع می‌شود که جداگانه دارند. بورديو بر مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند، زیرا به اعتقاد او این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می‌شود. در دیدگاه بورديو، سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است که ناشی از تعامل اجتماعی است. کاربرد سرمایه اجتماعی در نظر بورديو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله مراتبی (جامعه سرمایه‌داری) بهبود می‌بخشند (تاجبخش، ۱۳۸۴).

جیمز کلمن: از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است که مانند دیگر اشکال آن مولد بوده و امکان دستیابی به اهداف معینی را فراهم می‌کند که در نبود آن دست نیافتنی هستند. به زعم او، سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی به اهداف معینی کاهش یابد، اهدافی که در نبود سرمایه اجتماعی دستیابی به آنها تنها با صرف هزینه‌های زیاد امکان پذیر می‌شود. به اعتقاد او، عوامل ایجادکننده و گسترش‌دهنده سرمایه اجتماعی عبارت هستند از کمک، ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها.

کمک: درخواست کمک افراد از یکدیگر مقدار سرمایه اجتماعی را بیش‌تر خواهد کرد. هرگاه عواملی مانند رفاه، فراوانی و کمک دولت سبب شود تا افراد نیازشان به یکدیگر کم‌تر شود، میزان سرمایه اجتماعی کم‌تر خواهد شد.

ایدئولوژی: اعتقاداتی مانند لزوم کمک به یکدیگر یا عمل به سود دیگری، سبب پدید آمدن سرمایه اجتماعی می‌شود. از این رو، آن دسته از اعتقادات مذهبی که بر ضرورت کمک و عمل به نفع دیگران تأکید دارند، عامل مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند.

اطلاعات: یک شکل مهم سرمایه اجتماعی ظرفیت بالقوه اطلاعات است که جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر روابط اجتماعی است، اما به دست آوردن اطلاعات پرهزینه است، اطلاعات در واقع زمینه را برای کنش فراهم می‌کند. استفاده از روابط اجتماعی یکی از وسایل است که از طریق آن، اطلاعات می‌تواند به دست آید و اطلاعات کسب شده از طریق این روابط، کنش را تسهیل می‌کند.

هنجارها: اگر در درون گروه‌های اجتماعی، هنجارهای مؤثر و نیرومندی وجود داشته باشد، مبنی بر اینکه فرد باید منافع شخصی را رها کرده و به سود جمع عمل کند، سرمایه اجتماعی

شکل خواهد گرفت (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۴۷۴).

رابرت پاتنام: از نظر او، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند این ویژگی‌ها عبارت هستند از: شبکه‌ها، هنجارهای کمک متقابل و اعتماد اجتماعی.

شبکه‌ها: شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی، فئودالی یا سرمایه‌داری و... وجود دارد. این شبکه‌ها در دو نوع افقی و عمودی هستند. در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری بهره‌مند هستند و در شبکه‌های عمودی هم شهروندانی عضویت دارند که در وضعیتی نابرابر نسبت به هم به سر می‌برند.

هنجارهای معامله متقابل: در هر گروه اجتماعی هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آن‌ها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. از نظر پاتنام مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل هستند. او این هنجارها را از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند. این هنجارها با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط است و هر یک دیگری را تقویت می‌کند.

اعتماد اجتماعی: پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. از نظر او، اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیش‌تر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می‌کند. به این ترتیب، هر چه سرمایه اجتماعی بیش‌تر استفاده شود به جای استهلاک و کاهش، بیش‌تر افزایش خواهد یافت. او اضافه می‌کند، نبود این ویژگی‌ها در برخی از جوامع عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود را به دنبال خواهد آورد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۵). در یک جمع‌بندی از این نظریه پردازان می‌توان چنین گفت که سرمایه اجتماعی مفهومی دربرگیرنده ویژگی‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و هنجارها است. سرمایه اجتماعی از ویژگی خودزایی و خودمولدی بهره‌مند است، به این معنا که با استفاده مناسب از آن، زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می‌شود. کسی مانند بورديو میزان و کیفیت موجودی هر یک از سرمایه‌های مدنظرش در دست افراد و گروه‌ها را بیان‌کننده جایگاه اجتماعی آن‌ها در سلسله مراتب اجتماعی می‌داند. بنابراین، افراد سعی



دارند با افزودن بر میزان سرمایه‌های مختلف خود از جایگاه و قدرت اجتماعی برتری بهره‌مند شوند و رقابت برای کسب سرمایه افزایش می‌یابد. سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلین نیز بر پایه روابطی شکل می‌گیرد که میان اشخاص (حقیقی و حقوقی) برقرار می‌شود. سرمایه اجتماعی از تغییراتی در روابط میان اشخاص حاصل می‌شود که منش را تسهیل می‌کند. کلین در مباحث خود درباره سرمایه اجتماعی، از مفهوم اعتماد به عنوان برگ اعتباری در تعاملات میان اشخاص نام می‌برد که به طور کامل مشابه سرمایه مالی عمل خواهند کرد؛ یعنی فرد می‌تواند انتظار داشته باشد که اگر کاری را برای دیگری انجام داد، او در آینده جبران خواهد کرد. مفهوم سرمایه اجتماعی در تعاریف بوردیو و کلین، بیش‌تر به سطح روابط بین فردی و گروهی (سطح خرد) اشاره دارد، اما آن‌ها با ذکر مثال‌هایی، اثرگذاری سرمایه اجتماعی در سطوح کلان‌تر مثل رابطه میان نهادها و ساختارهای سیاسی را نیز مدنظر قرار داده‌اند. پاتنام، سرمایه اجتماعی را بر اساس سه جزء اصلی آن یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه و نیز بر مبنای کارکرد این اجزا؛ یعنی تسهیل کنش‌های تصادفی در جامعه تعریف می‌کند. او در تعریف بعدی خود، سرمایه اجتماعی را بر مبنای همین سه عنصر تشکیل‌دهنده آن در جهت تعقیب مؤثرتر اهداف مشترک توسط مشارکت‌کنندگان تعریف می‌کند. پاتنام برخلاف دو متفکر دیگر که رویکردهای خود را بر سرمایه اجتماعی در سطح افراد و خانواده‌ها متمرکز کرده و این مفهوم را در مقیاس کلان بررسی کرده‌اند.

جنسیت و سرمایه اجتماعی

برای درک بهتر جامعه‌شناسی جنسیت باید تفاوت بین جنس و جنسیت آشکار شود. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد، حال آن‌که «جنسیت» ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح «مردانگی» و «زنانگی» همراه است. تفاوت‌های جنسی طبیعی هستند، اما تفاوت‌های جنسیتی ریشه در فرهنگ دارند نه در طبیعت و از این رو تغییرپذیر هستند. تمایزهای جنسیتی با تشکیل چهارچوبی بی‌چون و چرا، که جامعه از دریچه آن به زن و مرد می‌نگرد، جنبه‌های زندگی افراد را شکل می‌دهند (آبرکرابی و نیکلاس، ۱۳۶۷). تمایز بین جنس و جنسیت تمایزی اساسی است، زیرا بسیاری از تفاوت‌های میان زنان و مردان دارای منشأ بیولوژیکی

نیستند و از طریق یادگیری اجتماعی و در جریان جامعه‌پذیرشدن شکل می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

به اعتقاد گرت، تفاوت‌های اجتماعی مبتنی بر جنسیت کاملاً ساخته ذهن انسان است و تحلیل آن نیز از منظرهای گوناگون امکان‌پذیر است؛ تحلیلی مبتنی بر کنکاش در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی. این نوع نگرش کاملاً در تقابل با دیدگاه‌های کسانی است که از عوامل زیست‌شناختی برای توجیه تبعیض جنسی بهره‌گرفته‌اند و برای مثال می‌گویند اندازه کوچک‌تر مغز زنان نشان ضعف فکری آن‌ها نسبت به مردان است. و با چنین دیدگاهی رفتارهای نابرابر و اعطای فرصت‌های شغلی و تحصیلی به مردان را موجه جلوه داده‌اند. مقوله جنسیت در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی، علوم اجتماعی، سیاست، اقتصاد و... جای خود را به خوبی باز کرده و از همین رو تأثیرات مختلفی در این پژوهش‌ها برجای گذاشته و خواهد گذاشت. پسر یا دختر به دنیا آمدن پیامد مهمی برای همه جنبه‌های زندگی خواهد داشت؛ از انتظاراتی که دیگران در جامعه از فرد دارند تا رفتار دیگران و رفتار خود فرد. این امر صرف نظر از جامعه‌ای که فرد در آن متولد می‌شود درهمه جا صادق است، هرچند در جوامع گوناگون تفاوت‌هایی از این نظر دیده می‌شود (گرت، ۱۳۷۹: ۹). نظام فرهنگی در هر جامعه‌ای با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه، عملاً در جهت اعمال تبعیضاتی علیه زنان سازمان‌یافته است و با توجه به موانعی که بر سر راه زنان برای ورود به عرصه اجتماع قرار می‌دهد، آن‌ها را از بسیاری از موقعیت‌ها در جامعه محروم کرده و موجب می‌شود که زنان به زمینه‌های کم‌تر مهم و حاشیه‌ای جامعه سوق داده شوند و از آگاهی، فعالیت ارتباطی و مشارکتی آن‌ها در جامعه کاسته شود. در نتیجه سرمایه‌های اجتماعی آن‌ها از هم متفاوت شود (اریکسون، ۲۰۰۴: ۲۹). مراحل متفاوت زندگی افراد و موقعیت‌های متفاوت به ویژه تحصیلات، ازدواج، بچه‌داری و درآمد و منزلت آن‌ها، تفاوت‌های سرمایه اجتماعی مردان و زنان را بیش‌تر افزایش می‌دهد.

با توجه به نظریات مطرح شده درباره سرمایه اجتماعی، می‌توان ابعاد سرمایه اجتماعی را از تئوری نظریه‌پردازان مذکور (کلمن، بوردیو، پاتنام) استخراج کرد که شامل: «اعتماد اجتماعی»، «هنجارهای همیاری و کمک متقابل»، «اطلاعات و توجه به حوزه‌های عمومی» و



«مشارکت‌های رسمی» است. گیدنز و گرت معتقد هستند در واقع زنان و مردان به دلیل قرار گرفتن در موقعیت و محدودیت‌های متفاوت، سرمایه اجتماعی متفاوتی خواهند داشت که این موقعیت‌ها و محدودیت‌ها نیز نیاز به بررسی و آزمون تجربی دارند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به آنچه که در مبانی نظری مطرح شد، می‌توان فرضیه‌های پژوهش را بدین گونه بیان کرد که :

- فرضیه‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه اجتماعی (برگرفته از نظریه گرت)
- بین وضع تأهل پاسخگویان با میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین وضع سطح تحصیلات پاسخگویان (کارشناسی و کارشناسی ارشد) با میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت است.
- فرضیه اصلی پژوهش: میزان سرمایه اجتماعی بین زنان و مردان متفاوت است (برگرفته از نظریه گیدنز و گرت).
- فرضیات مربوط به تفاوت جنسیت در هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی
- میزان اعتماد اجتماعی در میان زنان و مردان متفاوت است.
- میزان هنجارهای همیاری و کمک متقابل در میان زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.
- مشارکت‌های رسمی در میان مردان و زنان تفاوت معناداری دارد.
- بین زنان و مردان نسبت به آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد و از طریق نرم افزار SPSS محاسبات آماری و آزمون فرضیه‌ها انجام شد. حجم نمونه که با استفاده از فرمول کوکران و بر مبنای نتایج آزمون مقدماتی محاسبه شد شامل ۱۶۰ نفر از دانشجویان رشته علوم اجتماعی در دانشگاه خوارزمی تهران در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بود که ۸۰ نفر از آن‌ها مرد و ۸۰ نفر دیگر زن بودند. چهارچوب جامعه آماری دانشجویان، با راهنمایی و همکاری گروه علوم اجتماعی انجام شد که ۹۲۰ نفر بودند که از میان آن‌ها از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده به دلیل تسهیل مقایسه زنان و مردان ۸۰ نفر از هر نوع جنس انتخاب شده‌اند. جهت انتخاب نمونه‌ها ابتدا تعداد مردان (۳۸۹ نفر) و زنان (۵۳۱ نفر) دانشجوی مشخص شد. سپس با مشخص کردن لیست اسامی از هر یک از جنسیت‌ها، ۸۰ نفر انتخاب شد.

تعریف عملیاتی متغیرها:

متغیر مستقل: در این پژوهش از آنجا که تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی بررسی شد، متغیر مستقل جنسیت است که در قالب اسمی دوشقی مرد و زن تقسیم شد.

متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی در نقش متغیر وابسته که در ۴ بعد و ۲۱ سنجه به صورت زیر بررسی شد:

۱. **اعتماد اجتماعی:** به صورت ۷ سنجه که هر سنجه به صورت ترتیبی (همیشه، اغلب اوقات، گاهی اوقات، به ندرت و هرگز) آزمون شده‌اند که سنجه‌های آن شامل: اعتماد به غریبه‌ها، اعتماد به خویشاوندان خود، اعتماد به افراد خانواده خود، اعتماد به هم محله‌ای‌های خود، اعتماد به دوستان خود، فکر کردن به اینکه بیش‌تر افراد قابل اعتماد هستند، اعتماد به عهد و وفا و امانت‌داری دیگران است.
۲. **هنجارهای همیاری و کمک متقابل:** این بعد از سرمایه اجتماعی نیز با ۷ سنجه به صورت ترتیبی پنج گزینه‌ای آزمون شده‌اند که سنجه‌های آن: لذت بردن از کمک کردن به دیگران، کمک به دیگران جهت پیدا کردن وسایل مفقوده، اعتقاد به اینکه کمک به دیگران در درازمدت به خودتان کمک می‌شود، میانجی‌گری در مشکلات دیگران،



کمک دوستان در صورت نیاز فرد، اعتقاد به کمک متقابل همسایه‌ها، کمک به نیازمندان در طول سال است.

۳. **مشارکت رسمی:** بعد مشارکت رسمی در دو سنجه ترتیبی (همیشه، اغلب اوقات، گاهی اوقات، به ندرت یا هرگز) شامل عضو بودن فعال انجمن، اتحادیه و یا شورای صنفی - شرکت در مراسم‌های مذهبی بوده است.

۴. **آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی:** این بعد نیز با ۵ سنجه به صورت ترتیبی سه گزینه‌ای آزمون شده‌اند که سنجه‌های آن: دنبال کردن اخبار و رویدادهای کشور، در هنگام حضور در اجتماعات محلی، ایجاد احساس حضور در خانه خود، برداشتن زباله دیگران از معابر و خیابان‌ها، میزان استفاده از منابع کسب خبر و شناخت تعداد دوستان خود است.

متغیرهای زمینه‌ای

- سطح تحصیلات: از آنجا که جامعه آماری پژوهش دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی بوده‌اند که در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشجو می‌پذیرد. در نتیجه این متغیر در سطح متغیر اسمی دوشقی (کارشناسی، کارشناسی ارشد) سنجیده شده است.
- وضعیت تأهل: این متغیر نیز در سطح متغیر اسمی دوشقی (متاهل) سنجیده شده است.
- پایگاه اجتماعی - اقتصادی: این متغیر بر اساس وضعیت خانوادگی دانشجویان اندازه‌گیری شده است. ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مثل هزینه خانواده، سطح تحصیلات و رتبه و منزلت شغلی^۱ است که تعیین‌کننده پایگاه فرد در جامعه است که از ترکیب سه شاخص شغل، تحصیلات و هزینه در سطح سنجش فاصله‌ای ساخته شد و بر این اساس، افراد در سه طبقه پایگاه پایین، متوسط و بالا قرار گرفتند.

۱. شایان ذکر است که رتبه شغلی از منبع (رجب‌زاده، ۱۳۸۰، ۱۷) اخذ شده است.

اعتبار و پایایی

استفاده از گویه‌ها و پرسش‌های متعدد، مسئله اعتبار داده‌ها را مطرح می‌کند. در تدوین پرسشنامه، اغلب از شاخص‌های استفاده شده در پژوهش‌های پیشین بهره گرفته شده است. به این صورت که به گزینش معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های موجود در پرسشنامه‌های آزمون شده قبلی اقدام کرده و برای حصول اعتبار قابل قبول، ماده‌های مربوط در اختیار صاحب‌نظران جامعه‌شناس قرار گرفته و پس از داوری ایشان و حصول اعتبار محتوایی، در این پژوهش به کار بسته شده است. برای اطمینان از پایایی ابزار پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع تحلیل پایایی پاسخگوی این پرسش است که آیا مقیاس‌های مربوطه برای سنجش این متغیرها از ثبات و پایداری کافی بهره‌مند است یا خیر؟ معمولاً در مطالعات اگر ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۵۰ با ۰/۶۰ باشد، پایایی نسبی گویه‌ها و لذا مفهوم موردنظر را تصدیق می‌کنند. در واقع مقدار آلفای کرونباخ نشان‌دهنده انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود و برای آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی، اعتماد اجتماعی، مشارکت همیارانه یا غیررسمی، مشارکت رسمی به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۷۱، ۰/۷۸، ۰/۶۸ است.^۱

یافته‌های پژوهش

برای توصیف داده‌ها، اطلاعات جمع‌آوری شده در نرم‌افزار spss طبقه‌بندی شد. همان طور که در بخش روش‌شناسی ذکر شد کل نمونه‌های پژوهش ۱۶۰ نفر بودند ۵۰٪ مردان و ۵۰٪ را زنان تشکیل دادند.

- ۸۲/۵٪ از نمونه‌های پژوهش در مقطع کارشناسی و ۱۷/۵٪ کارشناسی ارشد بودند. در میان زنان ۸۵٪ کارشناسی و ۱۵٪ کارشناسی ارشد بوده‌اند که این نسبت در میان مردان ۸۰٪ کارشناسی و ۲۰٪ کارشناسی ارشد بوده‌اند.

- ۱۲/۵٪ از نمونه‌های مورد بررسی متأهل و ۸۷/۵٪ نیز مجرد بودند. در میان زنان

شایان ذکر است گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های پیشین اعتبار آن‌ها نیز تأیید شده است که گویه‌های این پژوهش از منبع (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷: ۳۷) اخذ شده است.



۹۰٪ مجرد و ۱۰٪ متأهل بودند که این نسبت در میان مردان ۸۵٪ مجرد و ۱۵٪ متأهل بودند.

- چنانچه قبلاً ذکر شد سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی از ترکیب سه شاخص شغل، تحصیلات و هزینه در سطح سنجش فاصله‌ای ساخته شد و سپس به سه سطح مساوی (پایین، متوسط و بالا) که هر کدام ۳۳٪ از کل نمونه‌های پژوهش را تشکیل می‌دهند.

- بنابر آنچه در تعریف عملیاتی متغیرها ذکر شد، سرمایه اجتماعی در ۴ بُعد اعتماد اجتماعی، هنجارهای همیاری و کمک متقابل، مشارکت رسمی، آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی در مجموع در قالب ۲۱ سنجه آزمون شدند. که در جدول ۱ برای مردان و زنان به تفکیک بر حسب درصد نمونه‌های پژوهش توزیع شده است.

جدول ۱: توزیع نمونه‌های پژوهش در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک جنسیت، بر حسب درصد

مردان (توزیع درصدی)					زنان (توزیع درصدی)					شاخص‌های متغیرها	مؤلفه‌های سرمایه
بُعد	سنجه	درصد	بُعد	سنجه	بُعد	سنجه	درصد	بُعد	سنجه		
اعتماد اجتماعی	اعتماد به غریبه‌ها	۲/۵	۱۲/۵	۴۲/۵	۳۵	۷/۵	۰	۵	۵۰	۴۲/۵	۲/۵
	اعتماد به خویشاوندان خود	۸/۷۵	۳۸/۷۵	۴۵	۷/۵	۰	۲/۵	۴۱/۲۵	۵۰	۳/۲۵	۲/۵
	اعتماد به افراد خانواده خود	۶۲/۵	۳۰	۲/۵	۲/۵	۷۰	۳۰	۰	۰	۰	۰
	اعتماد به هم محله‌ای‌ها	۰	۲۵	۵۰	۲۳/۷۵	۱/۲۵	۲/۵	۱۰	۴۸/۲۵	۳۶/۲۵	۲/۵
	اعتماد به دوستان خود	۵	۴۷/۵	۴۰	۷	۰	۷/۵	۴۵	۴۲/۵	۳/۷۵	۱/۲۵
	قابل اعتماد بودن بیش تر افراد	۳/۷۵	۲۶/۲۵	۴۵	۲۲/۵	۲/۵	۸/۷۵	۲۳/۷۵	۵۷/۵	۱۰	۰
	اعتماد به عهد و وفای دیگران	۲/۵	۲۷/۵	۳۷/۵	۲۷/۵	۵	۰	۲۵	۶۱/۲۵	۱۳/۷۵	۰
	لذت بردن از کمک به دیگران	۳۶/۲۵	۵۳/۷۵	۱۰	۰	۰	۴۵	۴۲/۵	۱۲/۵	۰	۰
	کمک به یافتن وسایل مفقوده دیگران	۰	۱۳/۷۵	۴۳/۷۵	۱۷/۵	۲۵	۲/۵	۵۲/۵	۳۲/۵	۷/۵	۵
	میانجیگری در مشکلات دیگران	۰	۲۵	۳۷/۵	۳۰	۱۲	۱/۲۵	۱۳/۷۵	۴۲/۵	۳۲/۵	۱۰

مردان (توزیع درصدی)					زنان (توزیع درصدی)					شاخص‌های متغیرها	مؤلفه‌های سرمایه
۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۵		
۱۰	۳۳/۷۵	۴۳/۷۵	۲/۵	۴۰	۳۷/۵	۲۰	۲/۵	۰	۲۵	اعتقاد به بازتاب کمک، دیگران به خود	مؤلفه‌های سرمایه
۷/۵	۲۷/۵	۵۵	۱۰	۷/۵	۵۷/۵	۳۰	۵	۰	کمک دوستان به شما در صورت نیاز		
۲۷/۵	۳۰	۴۰	۲/۵	۲۰	۲۸/۷۵	۵۰	۱/۲۵	۰	اعتقاد به کمک متقابل همسایه‌ها		
۷/۵	۳۲/۵	۴۲/۵	۱۵	۲/۵	۷/۵	۲۵	۶/۲۵	۲/۵	۵۸/۷۵	کمک به نیازمندان در طول سال	مشارکت رسمی
۵	۱۷/۵	۱۵	۳۰	۳۲/۵	۱/۲۵	۸/۷۵	۳۵	۳۲/۵	۲۲/۵	عضو انجمن، اتحادیه، شوراهای و ... شرکت در مراسم‌های مذهبی	
۱۱/۲۵	۱۳/۷۵	۳۷/۵	۲۲/۵	۱۵	۱۳/۷۵	۲۵	۲۶/۲۵	۰	۲۶/۲۵	دنبال کردن اخبار و رویدادهای کشور	
۷/۵	۱۸/۷۵	۴۷/۵	۱۵	۱۱/۲۵	۱۳/۷۵	۴۱/۲۵	۲۵	۲۰	۴۱/۲۵	احساس یگانه حضور در محله و خانه خود	آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی
۰	۲۸/۷۵	۵۱/۲۵	۱۲/۵	۷/۵	۶/۷۵	۲۰	۱۷/۵	۳/۷۵	۱۷/۵	برداشتن زباله دیگران از معابر	
۲/۵	۴۳/۷۵	۴۱/۲۵	۱۰	۲/۵	۲۰	۳۵	۱/۲۵	۰	۴۱/۲۵	میزان استفاده از منابع کسب خبر	
۱۰	۳۵	۴۵	۱۰	۷/۵	۷/۵	۵۲/۵	۲۲/۵	۱۷/۵	۲۲/۵	میزان شناخت تعداد دوستان خود	

در این مرحله از پژوهش با استفاده از آزمون تی (t test) و تحلیل واریانس یکطرفه (oneway) ابتدا فرضیه متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت تأهل، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات) در ارتباط با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سپس با استفاده از آزمون t فرضیه تفاوت‌های جنسیتی به تفکیک هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مجموع سرمایه اجتماعی آزمون شد.

فرضیه‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه اجتماعی

۱- بین وضع تأهل پاسخگویان با میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آن‌ها تفاوت معناداری



وجود دارد.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میزان اعتماد اجتماعی افراد مجرد (برابر با ۱۸/۷) که با افراد متأهل (برابر با ۱۹/۶) چندان متفاوت نیست. یافته‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که آماره t برابر $t = -0/821$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/414$) مطلوب نیست. همچنین میزان هنجارهای همیاری و کمک متقابل افراد مجرد (برابر با ۱۷/۷) که با افراد متأهل (برابر با ۱۹) نیز چندان متفاوت نیست. یافته‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که آماره t آن برابر $t = -1/25$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/214$) مطلوب نیست. همچنین مشارکت رسمی و آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی به عنوان دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که میانگین و میزان t و سطح معناداری آن در جدول ۲ نشان داده شده است. که به‌رغم تفاوت اندک میانگین مجردان و متأهلان که متأهلان دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند، اما در هیچ یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک این تفاوت معنادار نیست. همچنین با استفاده از این آزمون (t) نیز وضعیت تأهل با مجموع سرمایه اجتماعی آزمون شد که آماره t آن برابر $t = -2/00$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/061$) دارای تفاوت معنادار نیست. لذا می‌توان گفت فرضیه مذکور رد شده و نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، در بین مجردها و متأهلان ها معنادار نیست.

جدول ۲: نتایج آزمون t پیرامون سرمایه اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل

مؤلفه‌های سرمایه	تأهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	معناداری ($sig.$)
اعتماد اجتماعی	مجرد	۱۴۰	۱۸/۷	۳/۲۶	۰/۳۹	-۰/۸۲۱	۰/۴۱۴
	متأهل	۲۰	۱۹/۶	۳/۰۹	۰/۹۷		
همیاری و کمک متقابل	مجرد	۱۴۰	۱۷/۷	۳/۰۱	۰/۳۶	-۱/۲۵	۰/۲۱۴
	متأهل	۲۰	۱۹	۳/۴۳	۱/۰۸		
مشارکت رسمی	مجرد	۱۴۰	۶/۶	۱/۸۷	۰/۲۲	۰/۶۱۵	۰/۵۴
	متأهل	۲۰	۷	۲/۲۶	۰/۷۱		
توجه به حوزه‌های عمومی	مجرد	۱۴۰	۱۳/۵۱	۲/۵۹	۰/۳۱	-۱/۰۳	۰/۳۰۴
	متأهل	۲۰	۱۴/۴	۱/۹۵	۰/۶۱		
مجموع سرمایه اجتماعی	مجرد	۱۴۰	۵۶/۵۱	۷/۴	۰/۶۲	-۲/۰۰	۰/۰۶۱
	متأهل	۲۰	۶۰	۵/۸	۱/۳		

۲- بین وضع سطح تحصیلات پاسخگویان (کارشناسی و کارشناسی ارشد) با میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان کارشناسی (برابر با ۱۸/۵۸) و دانشجویان کارشناسی ارشد (برابر با ۱۹/۹۸) و با آماره t برابر $t = -1/6$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/071$) دارای تفاوت مطلوب و معنادار نیست. ولی متغیرهای هنجارهای همیاری، مشارکت رسمی و آگاهی به حوزه‌های عمومی به ترتیب در سطح $0/001$ ، $0/05$ و $0/05$ معنادار است که در متغیر آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی در دانشجوی کارشناسی (برابر با ۱۳/۳۳) با دانشجوی کارشناسی ارشد (برابر با ۱۵/۰۱) و با آماره t برابر $t = -2/72$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/019$) دارای تفاوت معنادار است. که جزئیات هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جدول ۳ تشریح شده است. بنابراین، در این فرضیه میزان تفاوت متغیرهای هنجارهای کمک متقابل، مشارکت رسمی و متغیر آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی در میان دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تأیید قرار می‌شود، ولی فرض تفاوت دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در متغیر اعتماد اجتماعی رد می‌شود. برای سنجش فرض تفاوت مجموع مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد از آزمون t نیز استفاده شد که این آماره بیان‌کننده آن است که میزان این تفاوت $t = -5/13$ و در سطح $0/000$ معنادار بوده است. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.



جدول ۳: نتایج آزمون t پیرامون سرمایه اجتماعی بر حسب سطح تحصیلات

مؤلفه‌های سرمایه	تأهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	معناداری (sig.)
اعتماد	کارشناسی	۱۳۲	۱۸/۵۸	۳/۱۳	۰/۳۸	-۱/۶	۰/۰۷۱
اجتماعی	کارشناسی ارشد	۲۸	۱۹/۹۸	۳/۰۹	۰/۸۲		
همیاری و کمک متقابل	کارشناسی ارشد	۱۳۲	۱۷/۳۳	۲/۹۶	۰/۳۶	-۳/۵۷	۰/۰۰۱
مشارکت رسمی	کارشناسی ارشد	۲۸	۷/۷۱	۱/۷۲	۰/۴۶	-۲/۳۵	۰/۰۲۱
توجه به حوزه‌های عمومی	کارشناسی ارشد	۱۳۲	۱۳/۳۳	۲/۷۱	۰/۳۳	-۲/۷۲	۰/۰۱۹
مجموع سرمایه اجتماعی	کارشناسی ارشد	۱۳۲	۵۵/۶۸	۷/۰۵	۰/۶۱	-۵/۱۳	۰/۰۰۰

۳- میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت است.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک‌طرفه به منظور مقایسه میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در میان پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف استفاده شد. نتایج حاصل نشان‌دهنده آن است که میانگین نمره اعتماد اجتماعی کسانی که در سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین قرار دارند برابر با ۱۸/۱۲، و کسانی که در پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط قرار دارند میانگین نمره اعتماد اجتماعی آنها برابر با ۱۸/۳۶ و میانگین دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا ۱۹/۹۶ بوده است، که مقدار آزمون F آنها برابر با ۵/۲۲ و سطح معناداری برآورد آن قابل قبول است (sig = ۰/۰۱۶). و نشان‌دهنده آن است که با افزایش سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان اعتماد اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه در این مؤلفه سرمایه اجتماعی تأیید می‌شود.

میانگین متغیر همیاری و کمک متقابل دانشجویانی که در سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین قرار دارند، برابر با ۱۶/۵۸ و دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی متوسط برابر با ۱۸/۱ و میانگین دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا برابر با ۱۸/۷۶ بوده است که مقدار آزمون F آن‌ها برابر با ۷/۱۲ و سطح معناداری برآورد آن مقبول است ($\text{sig} = 0/011$). و نشان می‌دهد که دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا نسبت به دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی متوسط و پایین به هنجارهای همیاری و کمک متقابل بیش‌تر پای‌بند هستند. بنابراین، در این مؤلفه سرمایه اجتماعی نیز فرضیه تأیید می‌شود.

همچنین میانگین متغیر مشارکت رسمی کسانی که در سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین قرار دارند، برابر با ۵/۷، و کسانی که در پایگاه اجتماعی- اقتصادی متوسط قرار دارند میانگین نمره مشارکت رسمی آن‌ها برابر با ۶/۷ و میانگین دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا برابر با ۷/۴ بوده است که مقدار آزمون F آن‌ها برابر با ۵/۲۲ و سطح معناداری برآورد آن مقبول است ($\text{sig} = 0/000$). و نشان‌دهنده آن است که با افزایش سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان مشارکت رسمی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، در این مؤلفه سرمایه اجتماعی نیز فرضیه تأیید می‌شود.

همچنین میانگین آخرین مؤلفه سرمایه اجتماعی (آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی) دانشجویان با پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین برابر با ۱۲/۷۹ و با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی متوسط میانگین توجه به حوزه‌های عمومی آن‌ها برابر با ۱۳/۳۵ و میانگین دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا برابر با ۱۴/۵ بوده است که با استفاده از آزمون F میزان آن ۱۱/۴۸ و سطح معناداری برآورد آن ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا نسبت به دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین بیش‌تر به حوزه‌های عمومی آگاهی و توجه دارند. بنابراین، در این مؤلفه سرمایه اجتماعی نیز فرضیه تأیید می‌شود.

در نهایت مجموع مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان با پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین برابر با ۵۳/۲، و با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی متوسط میانگین سرمایه اجتماعی آن‌ها برابر با ۵۶/۷ و میانگین دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا برابر با ۶۰/۶۵ بوده است که با استفاده از آزمون F میزان آن ۱۵/۲۷ و سطح معناداری برآورد آن ۰/۰۰۰ است



که نشان می‌دهد دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا نسبت به دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. بنابراین، می‌توان از این فرضیه نتیجه گرفت که در میان پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف میزان سرمایه اجتماعی متفاوتی وجود دارد. افراد با سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا نسبت به دانشجویان با سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط و پایین سرمایه اجتماعی بیشتری دارند، به عبارتی دیگر می‌توان گفت با افزایش سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سرمایه اجتماعی (همه مؤلفه‌های آن) آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه پیرامون مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی

معناداری	مقدار F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۰۱۶	۵/۲۲	۵۱/۶	۲	۱۰۳/۲۶	واریانس بین گروهی
		۹/۸۹	۱۵۷	۱۵۵۳	واریانس درون گروهی
		-	۱۵۹	۱۶۵۶	واریانس کل
۰/۰۱۱	۷/۱۲	۶۲/۳	۲	۱۲۴/۶	واریانس بین گروهی
		۸/۷۵	۱۵۷	۱۳۷۴	واریانس درون گروهی
		-	۱۵۹	۱۴۸۹	واریانس کل
۰/۰۰۰	۱۱/۴۸	۳۷/۰۲	۲	۷۴/۰۵	واریانس بین گروهی
		۳/۲۲	۱۵۷	۵۰۶/۳	واریانس درون گروهی
		-	۱۵۹	۵۸۰/۴	واریانس کل
۰/۰۱۳	۶/۱۵	۳۶/۸	۲	۷۳/۶	واریانس بین گروهی
		۵/۹۸	۱۵۷	۹۳۹/۸	واریانس درون گروهی
		-	۱۵۹	۱۰۱۳/۵	واریانس کل
۰/۰۰۰	۱۵/۳۷	۶۹۴	۲	۱۳۸۸	واریانس بین گروهی
		۴۵/۱	۱۵۷	۷۰۸۷	واریانس درون گروهی
		-	۱۵۹	۸۴۷۵	واریانس کل

فرضیات مربوط به تفاوت جنسیت در سرمایه اجتماعی و هر یک از مؤلفه‌های آن در این بخش با استفاده از آزمون t ابتدا فرضیه تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی و سپس به تفکیک در هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آزمون شد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میزان سرمایه اجتماعی در میان زنان (برابر با ۵۶/۷) که با مردان (برابر با ۵۷/۱) چندان متفاوت نیست. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که آماره t برابر $t = -0/389$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/689$) مطلوب نیست. در نتیجه فرضیه پژوهش رد می‌شود. یعنی با ورود زنان به دانشگاه‌ها و قرار گرفتن در موقعیت اجتماعی و تحصیلات تقریباً مشابه با مردان، سرمایه اجتماعی آن‌ها تقریباً مشابه با مردان واقع می‌شود. در قالب جدول ۵ هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک تفاوت‌های جنسیت تلخیص شده، و در ادامه به تأیید یا رد فرضیه‌ها اقدام می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون t پیرامون سرمایه اجتماعی بر حسب جنسیت

مؤلفه‌های سرمایه	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	معناداری (sig.)
اعتماد اجتماعی	زنان	۸۰	۱۸/۷۲	۲/۸۱	۰/۳۱۴	-۰/۳۴۲	۰/۷۳۳
	مردان	۸۰	۱۸/۹	۳/۶۱	۰/۴۰۳		
همیاری و کمک متقابل	زنان	۸۰	۱۷/۵۵	۳/۰۶	۰/۳۴۳	-۱/۲۸	۰/۱۹۹
	مردان	۸۰	۱۸/۱۷	۳/۰۵	۰/۳۴۲		
مشارکت رسمی	زنان	۸۰	۶/۴	۱/۸۱	۰/۲۳	-۲/۳۱	۰/۰۲۹
	مردان	۸۰	۷/۶۱	۱/۷	۰/۴۶		
توجه به حوزه‌های عمومی	زنان	۸۰	۱۳/۸	۲/۵۱	۰/۲۸۱	۰/۸۷۶	۰/۳۸۲
	مردان	۸۰	۱۳/۴۵	۲/۵۳	۰/۲۸۳		
مجموع سرمایه اجتماعی	زنان	۸۰	۵۶/۷	۶/۶۹	۰/۷۴۸	-۰/۳۸۹	۰/۶۹۸
	مردان	۸۰	۵۷/۱	۷/۸۹	۰/۸۸۲		

- میزان اعتماد اجتماعی در میان زنان و مردان متفاوت است.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میزان اعتماد اجتماعی در میان زنان (برابر با ۱۸/۷۲) با مردان (برابر با ۱۸/۹) چندان متفاوت نیست. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که آماره



t برابر $t = -0/342$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/733$) مطلوب نیست. در نتیجه فرضیه پژوهش رد می‌شود. به نظر می‌رسد که با ورود زنان به تحصیلات آکادمیک و آزادی آن‌ها با ورود به شهرهای دیگر، اعتماد اجتماعی آن‌ها همانند مردان تا حدودی همسان باشد. و در بین زنان و مردان از لحاظ اعتماد به خانواده، غریبه، خویشاوندان، دوستان و ... چندان تفاوتی وجود نداشته باشد. هر چند در جامعه ما برای زنان ایجاب می‌کند که کم‌تر اعتماد داشته باشند زیرا بیش‌تر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند، اما زنان مهر و عطوفت بیش‌تری نسبت به مردان دارند که با توجه به این ویژگی‌ها باعث فقدان تفاوت معنادار مردان و زنان از لحاظ اعتماد اجتماعی می‌شود.

- میزان هنجارهای همیاری و کمک متقابل در میان زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون نشان می‌دهد میزان هنجارهای همیاری و کمک متقابل در میان زنان (برابر با $18/72$) و مردان (برابر با $18/9$)، با آماره t برابر $t = -0/342$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/733$) مطلوب نیست، در نتیجه فرضیه پژوهش رد می‌شود. پس می‌توان گفت بین زنان و مردان در «هنجارهای همیاری و کمک متقابل» در میان دختران و پسران دانشجو تفاوتی وجود ندارد.

- مشارکت‌های رسمی در میان مردان و زنان تفاوت معناداری دارد.

نتایج آزمون این فرضیه نشان می‌دهد میزان مشارکت‌های رسمی زنان (برابر با $6/4$) با مردان (برابر با $7/61$)، با آماره t برابر $t = -2/31$ و سطح معناداری حاصل ($sig = 0/029$) مطلوب بوده و دارای تفاوت معناداری است. یعنی زنان نسبت به مردان مشارکت رسمی کم‌تری دارند، در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. که این نشان می‌دهد زنان به‌رغم قرار گرفتن در موقعیت مشترک با مردان، با توجه به ساختارهای جامعه و اثرات فرهنگ سنتی که زنان به درون خانه تعلق دارند، هنوز تا حدودی ماندگار بوده است. هر چند داده‌های پژوهش نشان می‌دهد با افزایش سطح تحصیلات این تفاوت کم‌تر می‌شود.

- میان زنان و مردان نسبت به آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی تفاوت معناداری وجود دارد.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میزان آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی در میان زنان (برابر با ۱۳/۸) با مردان (برابر با ۱۳/۴۵) چندان متفاوت نیست. یافته‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که آماره t برابر $t = ۰/۸۷۶$ و سطح معناداری حاصل ($sig = ۰/۳۸۲$) مطلوب نیست، در نتیجه فرضیه پژوهش رد می‌شود. به عبارتی درباره‌ی متغیر سطح آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی تفاوتی در بین مردان و زنان دیده نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی با متغیرهایی همچون اعتماد، آگاهی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد. افراد جامعه در برقراری ارتباط و کمیت و کیفیت آن یکسان نبوده و تفاوت‌هایی از جنبه‌های مختلف بین آن‌ها وجود دارد. نظیر تفاوت‌های جنسیتی که ناشی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری است که در طی جریان جامعه‌پذیری و در طی دوره زندگی همواره به جدا شدن جهان اجتماعی مردان و زنان منجر شده است. به طوری که تفکیک و تبعیض جنسیتی در حوزه‌های مختلف جامعه مطرح می‌شود. این نابرابری‌های جنسیتی بین زنان و مردان در عضویت ارتباطی و اجتماعات آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و باعث تفاوت سرمایه اجتماعی در میان زنان و مردان می‌شود.

این پژوهش درصدد بررسی تفاوت‌های زنان و مردان در سرمایه اجتماعی با تأکید بر متغیرهای زمینه‌ای (سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و پایگاه اجتماعی - اقتصادی) به عنوان موقعیت‌ها در نظر گرفته شد و تأثیر متغیر جنسیت و متغیرهای زمینه‌ای بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بررسی شد. لذا با بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه اجتماعی، ویژگی متغیرهای آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی، اعتماد اجتماعی، مشارکت همیارانه یا غیررسمی، مشارکت رسمی زنان و مردان بررسی قرار شد.

آنچه که از یافته‌های پژوهش حاصل می‌شود این است که میان دانشجویان مجرد و متأهل تفاوتی از لحاظ سرمایه اجتماعی وجود ندارد. زیرا دانشجویان متأهل با قرار گرفتن در جو دانشگاه، امکانات و محدودیت‌ها در وضعیت مشابه با دانشجویان مجرد قرار دارند. بنابراین، متأهل‌ها نیز همانند مجردها دارای آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی، اعتماد اجتماعی، مشارکت همیارانه یا غیررسمی، مشارکت رسمی بوده‌اند. میزان تفاوت متغیرهای هنجارهای



کمک متقابل، مشارکت رسمی و آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی در میان دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد معنادار شده است. یعنی افراد با افزایش سطح تحصیلات بیش‌تر به هنجارهای همیاری و کمک متقابل پایبند هستند که این ویژگی نیز با آگاهی مرتبط بوده است. و با افزایش سطح تحصیلات مشارکت رسمی نیز افزایش یافته و افراد بیش‌تر به حوزه‌های عمومی جامعه آگاهی و توجه دارند. بنابراین، سطح تحصیلات یکی از متغیرهای مهم برای افزایش توجه و آگاهی به حوزه‌های عمومی، مشارکت رسمی و پایبندی به هنجارهای همیاری و کمک متقابل است و لذا متغیری اساسی برای دفع نابرابری نسبت به زنان است. زیرا با افزایش سطح تحصیلات زنان سرمایه اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد و در صورت کاهش یا عدم ورود زنان به دانشگاه‌ها محدودیتی بزرگ برای سرمایه اجتماعی آنها، و در نتیجه پیامدهای زیانباری مانند عهدشکنی، بی‌اعتمادی، انزوا، بی‌نظمی و رکود را به دنبال خواهد داشت.

همچنین بر مبنای یافته‌های پژوهش تفاوت دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در متغیر اعتماد اجتماعی معنادار نیست. و بر مبنای پژوهش‌های پیشین و پژوهش حاضر اعتماد اجتماعی با سطح تحصیلات رابطه‌ای ندارد.

همچنین نتایج حاصل از آزمون‌های پژوهش نشان می‌دهد در بین پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف میزان سرمایه اجتماعی متفاوتی وجود دارد. و با افزایش سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سرمایه اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد. متغیرهای آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی، اعتماد اجتماعی، مشارکت همیارانه یا غیررسمی، مشارکت رسمی در سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی مختلف، میزان متفاوتی دارند که این تفاوت در هر چهار مؤلفه سرمایه اجتماعی صدق می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت این نظریه جامعه‌شناسان تأیید می‌شود که تفاوت تمایل زنان و مردان بیش از آن‌که ذاتی باشد ناشی از تأثیرات ساختار اجتماعی است. ساختار اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌ها و شانس‌های برخورد و ارتباط با دیگران را در اختیار کنشگران قرار می‌دهد که شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی آنها است. اگر جامعه‌ای امکانات و فرصت‌های برابری را میان زنان و مردان توزیع کند و در حوزه‌های مختلف بدون توجه به جنسیت فرد و بر مبنای توانایی و شایستگی‌های فردی عمل کند ما شاهد سرمایه اجتماعی یکسانی بین زنان و مردان خواهیم بود. پژوهش‌های پیشین مانند پژوهش‌های مانند

مور که نشان می‌دهد زنان بیش‌تر تمایل دارند تا پیوندهای نزدیک و صمیمی با خویشاوندان و پیوندهای غیرخانوادگی کم‌تری داشته باشند و مردان گرایش دارند تا پیوندهای بیش‌تری در بیرون خانواده برقرار کنند یا شارون معتقد است که اگرچه ورود زنان به طور پیوسته به محیط کار در نیم قرن اخیر در حال رشد بوده است، آمارها معلوم می‌کنند که زنان نسبت به مردان در پیشرفت شغلی، اکتساب پست و سطوح جبران خدمات از اولویت کم‌تری بهره‌مند هستند. و همچنین پژوهش باستانی و صالحی هیکویی نیز نشان می‌دهد زنان انواع زنانه‌تر حمایت (عاطفی) و مردان انواع مردانه‌تر حمایت (مالی و اطلاعاتی) را فراهم می‌کنند و افراد شاغل و متأهل سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد در صورت قرار گرفتن زنان و مردان در موقعیت‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های مشابه، این پژوهش‌ها رد می‌شود. و در صورت تأکید بر موقعیت‌ها و فرصت‌های متفاوت می‌توان نتایج آن‌ها را تأیید کرد. زیرا یافته‌های پژوهش‌های پیشین مبتنی بر قرار گرفتن زنان در موقعیت‌های متفاوت با مردان بوده است. همچنین در پژوهشی که موحد و همکاران (۱۳۸۷) انجام داده‌اند. هر چه سرمایه اجتماعی زنان بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی در ابعاد گوناگون افزایش می‌یابد. و دانشجویان در صورت قرار داشتن در موقعیت و فرصت‌های برابر، سرمایه اجتماعی تقریباً برابر دارند. و بر اساس یافته‌های پژوهش رفعت جاه و قربانی (۱۳۹۰) زنانی که از سرمایه اجتماعی بیش‌تر و همانند مردان داشته‌اند، همانند مردان توانسته‌اند در موقعیت شغلی خود ارتقاء یابند که پژوهش حاضر مهر تأییدی بر پژوهش‌های مذکور است.

بنابراین، اگرچه امروزه ما شاهد حضور فعال‌تر زنان در فعالیت‌های اجتماعی و تا حدی سیاسی هستیم، اما هنوز رگه‌هایی از تبعیض جنسیتی میان زنان و مردان در موقعیت‌ها و فرصت‌ها مشاهده می‌شود. می‌توان عمده‌ترین دلایل آن را به موانع ساختاری مانند نبود مکان‌هایی برای مشارکت زنان و نبود امنیت در محیط جامعه و می‌توان به موانع خانوادگی از جمله کارهای خانه و نگاه‌داری از بچه‌ها اشاره کرد. که با توجه به اینکه در پژوهش حاضر جامعه آماری ما تا حدودی افراد میراً از این موانع بودند. بنابراین، در میان زنان و مردان از لحاظ سرمایه اجتماعی چندان تفاوتی دیده نمی‌شود. آنچه که از پژوهش حاضر به دست می‌آید: سه بعد از سرمایه اجتماعی که شامل «اعتماد اجتماعی»، «هنجارهای همیاری و کمک متقابل» و «آگاهی و توجه به حوزه‌های عمومی» در میان مردان و زنان تفاوت معناداری ندارد.



و زنان و مردان تنها از لحاظ مشارکت‌های رسمی با هم تفاوت معناداری دارند. که از جمله می‌توان دلیل آن را موانع سنتی و فرهنگی جامعه ما اشاره کرد که باعث شده است تا زنان کم‌تر از مردان مشارکت‌های رسمی، به عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی داشته باشند.



منابع

- آبرکابی، نیکلاس (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پریان، تهران، چاپخس.
- باستانی، سوسن، صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگیهای ساختی، تعاملی، و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صص ۹۶-۶۳.
- پویا، علیرضا، رحیم نیا، فریبرز و غیور، سید روح اله (۱۳۹۳). تأثیر سرمایه انسانی و اجتماعی کارکنان زن بر کسب پست‌های سازمانی، فصلنامه مطالعات اجتماعی-روان شناختی زنان، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۳۰-۷.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران، چاپ اول، شیرازه.
- خمرنیا، محمد، تورانی، سوگند و محمدی، رامین (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر فرسودگی شغلی در پرستاران بیمارستان هاشمی نژاد، مجله پزشکی هرمزگان، سال پانزدهم، شماره سوم، صص ۱۵۴-۱۳۶.
- خواجه نوری، بیژن و مقدس، علی اصغر (۱۳۸۸). جهانی شدن و سرمایه اجتماعی زنان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۵۴-۱۳۱.
- رجب زاده، احمد (۱۳۸۰). رفتارهای فرهنگی ایرانیان. تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رفعت جاه، مریم و قربانی، سمیه (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء شغلی زنان، پژوهش زنان، دوره نهم، شماره ۱۰، صص ۱۴۶-۱۱۷.
- فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رضانی، تهران، کویر.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، نشر جامعه ایرانیان.
- گرت، استفانی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، تهران، دیگر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۲). پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی، فصلنامه پژوهش زنان دوره اول، شماره ۵، صص ۳۴-۷.



موحد، مجید، عنایت، حلیمه و پورنعمت، آرش (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، صص ۱۶۲-۱۸۸.

Erickson, B. H. (2004). The Distribution of Gendered Social Capital in Canada, Pp.27-50 in Creation and Returns of Social Capital. *Henk Flap and Beate Volker* (eds.), New York: Routledge.

Lin, Nan. (2001). *Social capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge University press.

Moore, G. (1990). Structural Determinants of Men's and Women's Personal Network, *American Sociological Review*, vol. 55, 726-735.

Putnam, Robert, D & Goss, Kristin A. (2002). Introduction, In Putnam (ed), *Democracies in flux, The Evolution of Social Capital in contemporary Society*. Oxford University press.

Sharon, Timberlake. (2005). Social capital and gender in the workplace, *Journal of Management Development*, Vol. 24: 1, 34-44.

Wallis, J, & Killerby, P, & Dollery, B, (2004), Social economics and social capital, *International Journal of Social Economics*, Vol. 31, No. 3, 239-258.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نویسندگان

زهرا رضایی نسب

Rezaeiz24@yahoo.com

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء(س).
کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه خوارزمی تهران.
دارای مقالات مختلف همایشی، علمی پژوهشی در زمینه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی و زنان.

سردار فتوحی

fotohis@yahoo.com

دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه خوارزمی تهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی